

A Comparative Study of Barack Obama and Donald Trump's Approach to International Environmental Regimes Emphasizing the traditions of American foreign policy

Elham Rasooli Sani Abadi

Corresponding Author, Associate Professor of Law and Political Science Department,
Yazd University, Yazd, Iran. rasooli@yazd.ac.ir

Najmeh Dehghan

M.A. in International Relations, Yazd University, Yazd, Iran.
nd.dolabi1397@gmail.com.

Abstract

The main purpose of this article is to examine the foreign policy approach of Barack Obama and Donald Trump towards international environmental regimes within the framework of US foreign policy traditions. Accordingly, the questions of this study are: Based on each of the traditions of foreign policy thinking, how is the US approach to international institutions and regimes and the global role of this country defined? Given the foreign policy tradition of each of the two presidents, what are the most important differences and similarities between their foreign policy approaches to international environmental regimes? The findings show that there are no similarities in the foreign policy approach of the two presidents towards international environmental regimes, but in terms of differences, three important differences can be noted: differences in highlighting and Or the two presidents' disregard for environmental issues in US national security documents, the difference in the type of policy adopted and the practical actions of the two presidents towards international environmental regimes (policy of adherence to the policy of exit) and finally the difference in the type of representation The importance of environmental issues and regimes in the speeches of the two presidents.

Keywords: *The Tradition of foreign policy, International Regimes, Obama, Trump, American foreign policy.*

مقایسه تحلیلی رویکرد باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر سنت‌های سیاست خارجی آمریکا^۱

الهام رسولی ثانی آبادی

نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد، یزد، ایران
rasooli@yazd.ac.ir

نجمه دهقان

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد، یزد، ایران nd.dolabi1397@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی رویکرد سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی در چارچوب سنت‌های سیاست خارجی آمریکا بوده است. مطابق با این هدف، پرسش‌های پژوهش عبارت بودند از اینکه؛ بر اساس هریک از سنت‌های تفکر سیاست خارجی، رویکرد آمریکا نسبت به نهادها و رژیم‌های بین‌المللی و نقش جهانی این کشور چگونه تعریف می‌شود؟ رئیس‌جمهور اوباما و ترامپ در قالب کدام‌یک از سنت‌های سیاست خارجی قرار می‌گیرند و با توجه به سنت سیاست خارجی هر یک از دو رئیس‌جمهور، مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های رویکرد سیاست خارجی آن دو نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی چیست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، یافته‌های پژوهش نشان داد که در زمینه رویکرد سیاست خارجی این دو رئیس‌جمهور نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی، می‌توان به سه تفاوت مهم اشاره کرد: نخست، تفاوت در برجسته کردن یا نادیده گرفتن مسائل محیط زیستی توسط آن دو در اسناد امنیت ملی آمریکا؛ دوم، تفاوت در نوع سیاست اتخاذی و اقدامات عملی دو رئیس‌جمهور در قبال رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی (سیاست پایبندی در مقابل سیاست خروج)؛ سوم، تفاوت در نوع بازنمایی اهمیت مسائل و رژیم‌های محیط زیستی در کنش‌های گفتاری دو رئیس‌جمهور. این پژوهش تحلیلی-مقایسه‌ای و شیوه‌گردآوری

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

اطلاعات در آن از طریق منابع اسنادی و داده‌های مجازی بوده است.
واژه‌های کلیدی: سنت سیاست خارجی، رژیم‌های بین‌المللی، محیط زیست، اوباما،
ترامپ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۷۱-۳۹۴

مقدمه

امروزه رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان در تمامی حوزه‌های بین‌المللی از جمله حوزه‌های اقتصادی، امنیتی یا حقوق بشری مشاهده کرد. در این میان رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی¹ از انواع رژیم‌های مطرح و مهم در نظام بین‌الملل هستند. مسلم است یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در حوزه‌های زیست‌محیطی که نقش مهمی در بهبود عوامل زیست‌محیطی یا افزایش تهدیدات زیست‌محیطی در عرصه بین‌المللی دارد، نقش دولت‌ها در قالب نوع رویکرد، میزان مشارکت یا عدم مشارکت و الزام و عدم الزام آن‌ها در رعایت قوانین زیست‌محیطی و نحوه پیگیری آن‌ها در سیاست داخلی و همچنین در عرصه بین‌المللی در قالب مشارکت در پیمان‌ها و معاهدات زیست‌محیطی است. در همین راستا میان حفظ محیط زیست و اصل مسئولیت مشترک بین‌المللی پیوند محکمی وجود دارد و در همین رابطه مفهوم «توسعه پایدار» در سازمان ملل بر مسئولیت مشترک کشورها برای حفاظت از محیط زیست در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تأکید بسیار کرده است. بر پایه این اصل دولت‌ها موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند و کشورهای ثروتمند و صنعتی از جمله ایالات متحده آمریکا (به‌عنوان قدرت مسلم صنعتی و دومین آلاینده جهان با گازهای گلخانه‌ای پس از چین) به‌واسطه تقدّم زمانی در رشد صنعت و اقتصاد و داشتن سهم بیشتر در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی، اهمیت بیشتری دارند. بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی رویکرد سیاست خارجی دو رئیس

1. Environmental Regimes

جمهور آمریکا یعنی باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر تحلیل افراد و نخبگان تصمیم‌گیرنده است. برای مقایسه این مقاله از سه محور اصلی استفاده شده است: نخست، جایگاه مسئله محیط زیست و توجه به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی در اسناد امنیت ملی آمریکا (اسناد ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷)؛ دوم، کنش‌های گفتاری دو رئیس‌جمهور؛ سوم، بررسی اقدامات عملی آن دو در ارتباط با این رژیم‌ها.

چارچوب مفهومی این مقاله شامل دو بخش تعریف رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی و سنت‌های سیاست خارجی آمریکا است. این پژوهش یک پژوهش تحلیلی - مقایسه‌ای است و شیوه گردآوری اطلاعات در آن از طریق منابع اسنادی و داده‌های مجازی است.

۱. چارچوب مفهومی

«کراسنر» رژیم‌های بین‌المللی را «مجموعه‌ای از اصول، قواعد، هنجارها^۳ و رویه‌های تصمیم‌گیری^۴ تعریف می‌کند که به واسطه آن‌ها توقعات بازیگران پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی می‌نماید و بدین وسیله بازیگران خواسته‌های خود را برآورده می‌سازند» (Krasner, 1983,2). رژیم‌های بین‌المللی را بر اساس معیارهای مختلفی تقسیم می‌کنند؛ به عنوان مثال بر مبنای معیار رسمیت داشتن، رژیم‌ها به دو دسته رژیم‌های «رسمی» و «غیررسمی»، بر اساس معیار چگونگی تأسیس، به سه دسته رژیم‌های «خودجوش»، «تحمیلی» و «مذاکره‌ای» و از نظر دامنه عضویت به رژیم‌های «دوجانبه»، «چندجانبه» و «همه‌جانبه» تقسیم می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۳).

از منظری دیگر می‌توان رژیم‌ها را به دو بخش «رژیم‌های امنیتی» و «رژیم‌های غیرامنیتی» تقسیم کرد. «رابرت جرویس» رژیم‌های امنیتی را این‌گونه

-
1. Principles
 2. Rules
 3. Norms
 4. Decision Making Procedures

تعریف می‌کند: «آن دسته از اصول، قواعد و هنجارهایی که به کشورها اجازه و امکان می‌دهد در رفتارشان خویشتن‌دار باشند، با این باور که سایر کشورها نیز متقابلاً همین‌گونه رفتار خواهند کرد» (Jervis, 1982, p. 360). با این تعریف می‌توان رژیم‌های امنیتی را شامل رژیم‌های «خلع سلاح»، «کنترل تسلیحات»^۱ و «بازدارندگی»^۲ دانست که بررسی و تعریف آن‌ها موضوع اصلی این مقاله نیست (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۲، صص. ۵۰-۶۵).

در مقابل رژیم‌های امنیتی رژیم‌های غیرامنیتی قرار دارند که خود رژیم‌های اقتصادی، فرهنگی، حقوق بشری و محیط زیستی را در بر می‌گیرند. این رژیم‌ها مجموعه‌ای از اصول، قواعد، هنجارها و آیین‌ها و فرایندهایی هستند که به‌صورت کنوانسیون، منشور، توافق‌نامه، عهدنامه و پروتکل‌های الزام‌آور و با هدف پیشگیری از تخریب محیط زیست یا مدیریت تأثیر انسان بر منابع طبیعی ایجاد می‌شوند و زمینه همکاری و همگرایی میان دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی را تسهیل می‌کنند (جم و بلیک، ۱۳۹۶، صص. ۹۲-۹۱). تاکنون حدود ۱۴۰ موافقت‌نامه بین‌المللی محیط زیستی شکل گرفته است که می‌توان آن‌ها را با عنوان رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی در نظر گرفت. این رژیم‌ها برخلاف رژیم‌های امنیتی، اقتصادی یا حتی حقوق بشری دارای ضمانت اجرای قوی نیستند و بیشتر حاصل تعهد اخلاقی کشورها هستند. البته فرسایش زیست‌محیطی و تهدیدات زیست‌محیطی باعث نوعی از تهدیدات جدید غیرامنیتی شده‌اند که نه تنها معضلی برای بازیگران دولتی، بلکه تهدیدی برای همه انسان‌ها و همچنین منابع مشترک جهانی، یعنی اقیانوس‌ها، دریاها، لایه اُزون و سیستم آب و هوایی ایجاد کرده‌اند.

بنابراین تحت تأثیر شرایط موجود، به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد، محیط زیست کانون اصلی نگرانی‌ها شده و فرسایش محیط زیست، در بازنگری مفهوم امنیت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (سازمند، ۱۳۹۲، ص. ۵۲)؛ بنابراین همان‌گونه که بیان شد رویکرد تعامل‌گرایانه و همکاری‌جویانه یا

1. Arms Control

2. Deterrence

غیرهمکاری جویانه دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های بزرگ از جمله آمریکا تأثیر چشمگیری بر قدرت و کارآمدی رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی دارد. در بخش دوم چارچوب مفهومی به سنت‌های سیاست خارجی آمریکا نسبت به نهادها و رژیم‌های بین‌المللی به‌طور کل پرداخته می‌شود.

۱-۱. سنت‌های سیاست خارجی آمریکا^۱ نسبت به نهادها و رژیم‌های بین‌المللی

«مگ دوگال» و «مید» در آثار خود، سنت‌های سیاست خارجی آمریکایی را «روایت‌های منسجمی»^۲ می‌دانند راجع به اینکه چگونه آمریکا می‌تواند و باید با دنیا درگیر یا مواجه شود و تعامل کند. این سنت‌ها شامل دو بخش مهم ارزش‌ها یا اصول آمریکایی و منافع ملی این کشور و چگونگی تأمین آن می‌شود (Mead, 2002). در همین راستا با نگاهی به آثار نظری پیرامون سنت‌های سیاست خارجی آمریکا با دسته‌بندی‌ها و نام‌های گوناگونی مواجه می‌شویم که اغلب آن‌ها شامل جفت‌های متضاد معنایی هستند، «واقع‌گرایی در برابر آرمان‌گرایی»^۳، «بین‌الملل‌گرایی در مقابل انزوگرایی»^۴، «ملی‌گرایی در مقابل جهان‌گرایی»^۵ و ... که در همه این جفت‌های متضاد محور تقابل، تضاد میان منافع ملی آمریکا و ارزش‌های اخلاقی این کشور بوده است (Rolf, 2021, p 3).

در همین زمینه یکی از آثار جامع در تحلیل سنت‌های سیاست خارجی آمریکا، کتاب «کالاهان» با عنوان «نظریه‌های نقش جهانی آمریکا» است که وی در این کتاب با طرح مفاهیم محوری همچون «نوع نگاه دولت‌های مختلف آمریکا نسبت به سطح درگیر شدن در امور بین‌الملل»، «چندجانبه‌گرایی»^۶ یا «یک‌جانبه‌گرایی»^۷، «گستره منافع ملی آمریکا»، «میزان قدرت آمریکا»، «نقش

1. The traditions of American foreign policy

2. coherent narratives

3. realism-to-idealism

4. internationalism–isolationism

5. nationalist/globalist

6. Multilateralism

7. Unilateralism

رهبری این کشور، «میزان نظامی‌گرایی و مداخله‌گرایی» و «تعهدات اخلاقی» به معرفی منطبق‌ها یا سنت‌های سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد و این سنت‌ها را شامل «برتری جویی»^۱، «واقع‌گرایی»، «انزواگرایی»، «لیبرالیسم»، «بین‌الملل‌گرایی لیبرال» و «ضدامیریالیسم افراطی» بیان می‌کند (کالاها، ۱۳۸۷).

از دیدگاه مید چهار سنت در سیاست خارجی آمریکا^۲ شامل «ویلسونی»، «جکسونی»، «جفرسونی» و «همیلتونی» است (Mead, 2002, p 101) و درحالی‌که در سنت همیلتونی تأمین منافع ملی آمریکا از طریق فاکتورهای اقتصادی و حمایت از نظم تجاری باز به رهبری این کشور در اولویت قرار دارد (مید طرفداران این سنت را «رنالیست‌های آمریکایی»^۳ نیز می‌نامد). در سنت ویلسونی اولویت با ارزش‌های آمریکایی است. سنتی که کمتر علاقه‌مند به فاکتورهای اقتصادی و بیشتر به دنبال تحقق ارزش‌های آمریکایی از جمله حقوق بشر و دموکراسی‌سازی است. در این سنت نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی به‌شدت اهمیت دارد (Mead, 2017, p 2). در واقع یکی از شاخه‌های مهم این سنت، «نهادگرایان لیبرال»^۴ نام دارند که بر نقش نهادهای بین‌المللی در جهت‌یابی شدن جهانی تأکید شدیدی دارند. به این شاخه «ویلسونی‌های نرم»^۵ نیز گفته می‌شود. جفرسونی‌ها نیز مانند سنت همیلتونی بر همکاری‌های بین‌المللی آمریکا با جهان خارج از جمله همکاری‌های تجاری تأکید می‌کنند، اما از سیاست‌هایی که منجر به بازنمایی آمریکا به‌عنوان یک قدرت سلطه‌گر یا امپریالیستی شود، به‌شدت انتقاد می‌کنند (Mead, 2002, pp 92-93).

در مقابل این سه سنت که تأکیدشان بر درگیر شدن آمریکا در جهان خارج است، طرفداران سنت جکسونی خواستار یک سیاست خارجی حمایت‌گرایانه یا

-
1. Hegemonic
 2. Mead's Four Traditions of US Foreign Policy
 3. American realism
 4. liberal institutionalists
 5. soft Wilsonians

انزوآگریانه هستند، با این ایده که «زندگی کن و بگذار دیگران نیز زندگی کنند»! طرفداران این سنت توجه بسیار کمی به جهان خارج دارند؛ چراکه از منظر آن‌ها جهان خارج و درگیر شدن در آن، برای آمریکا بیشتر واجد ضرر و تهدید است تا منفعت (Mead, 2016).

گفتنی است که نوع سنت‌های سیاست خارجی آمریکا تأثیر بسیار مستقیمی در «استراتژی زمینه»^۲ یا «دکترین»^۳ هر رئیس‌جمهوری دارد و هر دوی این‌ها به «چگونگی رهبری آمریکا» شکل می‌دهد. استراتژی زمینه به‌عنوان نقشه راه قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا تعریف می‌شود و شامل شناخت اهداف بلندمدت و منابع بالقوه و بالفعل برای تحقق این اهداف می‌گردد. به‌عنوان مثال شعار مناظرات انتخاباتی ترامپ مبنی بر «اول آمریکا»^۴ به‌طور واضح نقشه راه یا استراتژی مهم آمریکا را نشان می‌دهد (Ulgul, 2020, p 101).

دکترین اما به معنای سیستمی از عقاید هنجاری و تجربی فرد تصمیم‌گیرنده در ارتباط با نظام بین‌الملل و نقشی است که فرد تصمیم‌گیرنده برای کشورش در این نظام تعریف می‌کند. دکترین‌ها در بیانات رسمی نخبگان تصمیم‌گیرنده پدیدار می‌شوند. به بیان «باربر»^۵ دکترین‌ها را می‌توان «جهان‌نگرش رئیس‌جمهور»^۶ نیز نامید که عقاید اولیه سیاسی رئیس‌جمهور درباره روابط علی اجتماعی، طبیعت بشر و نگاه به منازعات و همکاری‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد (Barber, 2016, p 5).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، یکی از مفاهیم مهمی که در چارچوب سنت‌های مختلف سیاست خارجی آمریکا و استراتژی‌های زمینه متأثر از آن معنا می‌باید «نوع رهبری آمریکا» و شیوه مواجهه با محیط بیرونی از جمله نهادها و رژیم‌های بین‌المللی است. در همین زمینه باید گفت، از بعد از جنگ جهانی دوم امنیت

-
1. live and let live
 2. Grand strategy
 3. doctrine
 4. The style of US leadership
 5. America First
 6. President's worldview

بین‌المللی به طور قابل توجهی بر اعتبار رهبری آمریکا و تعهدات بین‌المللی این کشور به‌عنوان هژمون نظام بین‌الملل متکی بوده است و در همین راستا تقریباً اکثر رؤسای جمهور آمریکا اظهار کرده‌اند که این کشور بازیگر و شریک قابل اطمینانی برای نظام بین‌الملل و سایر کشورها است و در واقع قائل به نوعی رهبری اخلاقی برای آمریکا بوده‌اند (Hassan and Featherstone, 2021, p 409).

در ادامه برای فهم کامل سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی، به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت که هر یک از این دو رئیس‌جمهور را در چه سستی از تفکر سیاست خارجی می‌توان قرار داد. رسیدن به پاسخ این پرسش برای فهم اشتراکات و افتراقات سیاست خارجی آن‌ها کمک خواهد کرد.

۲-۱. اوباما و سنت سیاست خارجی بین‌الملل‌گرایی لیبرال: خوش‌بینی نسبت به

رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی

به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان و تحلیلگران سیاست خارجی، منطق سیاست خارجی دولت باراک اوباما (۲۰۱۷-۲۰۰۹) «بین‌الملل‌گرایی لیبرال» بوده است (Renshon, 2012, p 15). در همین زمینه سند امنیت ملی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۰ محور اساسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را «چندجانبه‌گرایی جمعی» و اعتقاد به این امر قلمداد می‌کند که هیچ دولت یا ائتلاف محدودی نمی‌تواند به تنهایی مشکلات پیچیده جهانی را حل و فصل کند (National Security Document, 2010).

بین‌الملل‌گرایان لیبرال بر این باورند که موفقیت آمریکا در گرو ترکیب قدرت، ایده‌های دموکراتیک و پروژه‌های بین‌المللی لیبرال است. آن‌ها بر استثناگرایی آمریکایی و عمل‌گرایی تأکید می‌کنند. به این دسته از جریانات سیاسی آمریکا «بین‌الملل‌گرایان» می‌گویند که هدف آن‌ها ایجاد نظم از طریق همکاری‌ها و مشارکت بین‌المللی و همچنین از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است (Kupchan, 2020, p 27). از طرفی به آن‌ها لیبرال نیز می‌گویند، چراکه هدفشان ایجاد همکاری و افزایش تعاملات بین‌المللی در جهت تأمین منافع دموکراسی‌های

لیبرال است (Ettinger, 2021. p 164). این در حالی است که واقع‌گرایان مخالف نقش تعیین‌کننده ارزش‌های لیبرال آمریکایی و ایده‌های دموکراتیک در سیاست خارجی آمریکا هستند و فقط به تأمین منافع ملی توجه می‌کنند (Ikenbery and Kupchan, 2004, p 38).

از دیگر عناصر این سنت سیاست خارجی آمریکا که دولت اوباما همواره بر آن تأکید می‌کرد، «چندجانبه‌گرایی» در مقابل «یک‌جانبه‌گرایی» است. در یک جانبه‌گرایی کشورها سیاست‌های خود را بدون توجه و بدون هماهنگی با دیگران و به‌تنهایی تدوین و اجرا می‌کنند، درحالی‌که چندجانبه‌گرایی همراه با «نهادگرایی»^۱ و دیپلماسی چندجانبه است (Walker, 2004). چندجانبه‌گرایی فرایند سازمان‌دهی روابط میان سه دولت یا بیشتر در جهت کسب منافع مشترک یا حل مسائل مشترک است. کوهن چندجانبه‌گرایی را رویه هماهنگی سیاست‌های ملی سه یا تعداد بیشتری از دولت‌ها از طریق توافقات و نهادهای بین‌المللی می‌داند (Keohane, 1990). در این فرایند دولت آمریکا در عرصه حکمرانی جهانی برای خود نقش دولتی فعال را تعریف می‌کند. این در حالی است که در یک‌جانبه‌گرایی دولت آمریکا به‌عنوان یک دولت منزوی و تکرو معرفی می‌شود، نمونه واضح این نوع بازنمایی از دولت آمریکا در سیاست خارجی ترامپ و در ایده وی (آمریکای تنها)^۲ یا ایده «اول آمریکا» قابل مشاهده است (Scott, 2013).

بنابراین چندجانبه‌گرایی همراه با نهادگرایی به معنای تأکید بر نقش نهادها در تعقیب و تأمین منافع جهانی آمریکا و نگاه ابزاری به نهادها در تحقق اهداف سیاست خارجی این کشور است. در نهادگرایی سیاست‌گذاران آمریکایی به دنبال کار با نهادها در جهت تغییر محیط بین‌المللی هستند. در این مسیر همچنین بر رهبری جمعی^۳ تأکید می‌شود که شامل تقسیم مسئولیت امور بین‌الملل توسط آمریکا است (Swielande, 2021, p 135).

-
1. Institutionalism
 2. America alone
 3. Collective leadership

۳-۱. ترامپ و سنت سیاست خارجی ملی‌گرایی جکسونی: بدبینی نسبت به

رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی

بسیاری از تحلیلگران سیاست خارجی، سنت سیاست خارجی ترامپ را سنت جکسونی همراه با ترکیبی از مؤلفه‌های «ملی‌گرایی»^۱ و «سنت‌گرایی»^۲ می‌دانند (Ulgul, 2020, p 105) و برای اثبات ادعای خود در این دیدگاه، به خروج وی از تعهدات و معاهدات بین‌المللی اشاره می‌کنند که خود نشانه بدبینی رئیس‌جمهور به نهادها و رژیم‌های بین‌المللی است. در همین زمینه ترامپ در نقش رئیس‌جمهوری آمریکا تصریح می‌کند، نسبت به اتحادیه‌های بین‌المللی که آمریکا را در خود محبوس کرده‌اند و باعث افول این کشور شده‌اند، بدبین است (Trump, 2016, April).

همان‌گونه که بیان شد سیاست خارجی ترامپ ترکیبی از «سنت‌گرایی» و «ملی‌گرایی» است که وجه مشخصه هر دو نادیده گرفتن امنیت بین‌الملل به‌عنوان عنصر اساسی و مهم امنیت آمریکایی است (Ulgul, 2020, 106). عده‌ای نیز ملی‌گرایی سیاست خارجی ترامپ را «ملی‌گرایی محافظه‌کارانه»^۳ تعریف می‌کنند. به بیان «دیوک» این ملی‌گرایی محافظه‌کارانه اولویت سیاست خارجی را به سیستم ملت- دولت (نگاه به درون)، با واقع‌گرایی سیاسی و تأکید بر دولت ملی آمریکا برتر از هر نوع دولت فراملی جهانی می‌دهد (Dueck, 2018). در همین راستا ملی‌گرایی که ترامپ مطرح می‌کند، در تقابل کامل با لیبرالیسم و جهانی شدن است؛ زیرا لیبرالیسم بر حقوق و مسئولیت‌های فراملی تأکید می‌کند که فراتر از مرزهای ملی است و با هرگونه اشکال نژادپرستی^۴ در مخالفت کامل است. ملی‌گرایان برای حاکمیت ملی اولویت ویژه‌ای قائل هستند و تمایل ندارند آزادی‌های مربوط به این حاکمیت را نهادها و رژیم‌های بین‌المللی محدود یا کم کنند (Clarke and Ricketts, 2017, p 368).

1. Nationalism
2. Traditionalism
3. conservative nationalism
4. ethnocentrism

در همین زمینه «هاس»، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا، به عبارت «آمریکا و استعفا بزرگ»^۱ اشاره می‌کند. از منظر او سیاست خارجی ترامپ مبتنی بر «دکترین عقب‌نشینی»^۲ است که طی آن آمریکا به صورت داوطلبانه از قدرت و مسئولیت‌های بین‌المللی استعفا می‌دهد (Hass, 2017)؛ سیاستی که مبتنی بر معامله است و در آن هزینه و فایده مهم‌تر از ایده‌ها و هنجارهای آمریکاست (Sperling and Webber, 2019, p 511).

بنابراین در این سنت سیاسی نظام بین‌الملل نه یک جامعه جهانی متشکل از اهداف و هنجارهای مشترک، بلکه عرصه‌ای برای رقابت بر سر منافع در نظر گرفته می‌شود. در این سنت سیاسی ملی‌گرایی از جهان‌گرایی مهم‌تر است و صلح با قدرت (افزایش قدرت نظامی آمریکا) و نه از طریق رژیم‌های بین‌المللی و همکاری‌های فراملی به دست می‌آید (Clarke and Ricketts, 2017, p 369).

۲. بررسی مقایسه‌ای رویکرد باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر اسناد امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۰، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷)

سند امنیت ملی آمریکا در هر دوره‌ای، تلفیقی از مؤلفه‌های ثابت سیستم امنیت ملی ایالات متحده و برنامه‌ها و اولویت‌های رئیس‌جمهور و کابینه این کشور است که طبق قانون «باید سالانه، در تاریخی که رئیس‌جمهور لایحه بودجه سال بعد را ارائه می‌دهد، به کنگره تحویل داده شود» (Investigate The US National Security Strategy, 2018).

اسناد امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما شامل دو سند ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ می‌شوند. در سند ۲۰۱۰ بر تقویت نهادهای بین‌المللی در راستای اقدام جمعی در مبارزه علیه چالش‌های جهانی تأکید بسیار شده است (National Security Document, 2010) که یکی از این چالش‌ها «تغییرات اقلیمی و مخاطرات زیست‌محیطی» است:

1. "America and the Great Abdication"

2. The Withdrawal Doctrine

تلاش خواهیم کرد تا توافق کپنهاگ را اجرا کنیم و پاسخ به تغییرات آب و هوا را که ناشی از اقدامات قاطع همه ملت‌ها است، تضمین نماییم. هدف ما تلاشی مؤثر و بین‌المللی است که در آن همه اقتصادهای بزرگ برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌طور شفاف به تعهدات خود عمل کنند (National Security Document, 2010, p 47).

در سند امنیت ملی سال ۲۰۱۵ نیز مسئله تغییرات آب و هوایی، تهدیدی فوری برای امنیت ملی ایالات متحده قلمداد شده است. در این سند بر نقش آمریکا در رهبری تلاش‌ها برای مقابله با معضل تغییرات آب و هوایی در داخل این کشور و جوامع بین‌المللی نیز تأکید بسیاری می‌شود و آمریکا متعهد می‌شود از طریق «طرح اقدام اقلیمی»^۱ و اقدامات اجرایی مرتبط، به هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۲۵ به میزان ۲۶ تا ۲۸ درصد دست پیدا کند (National Security Document, 2015, p 12).

در ادامه در سند ۲۰۱۷ امنیت ملی آمریکا که در زمان ریاست جمهوری ترامپ ارائه شده است، موضوع تغییرات اقلیمی از فهرست تهدیدات امنیت ملی آمریکا حذف و به جای آن خطر سیستم مهاجرتی آمریکا افزوده شده است؛ بنابراین ترامپ و مشاوران وی در این سند هیچ اشاره‌ای به تغییرات اقلیمی نکرده و بیشتر به تحقق شعار «اول آمریکا» در چارچوب مسائل اقتصادی و سیاسی پرداخته‌اند (National Security Document, 2017).

۳. بررسی مقایسه‌ای رویکرد باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر کنش‌های گفتاری

کنش‌های گفتاری شامل مواضع اعلامی هر یک از رؤسای جمهور هستند که محور دوم مقایسه این پژوهش را شکل می‌دهند. در همین زمینه «سرل» از نظریه‌پردازان این حوزه دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای کنش گفتاری ارائه کرده است که این مقاله نیز بر اساس همین دسته‌بندی به شرح ذیل کنش‌های گفتاری هر دو رئیس جمهور را بررسی خواهد کرد:

- **کنش اظهاری**^۱: هدف این کنش بیان چگونگی پدیده‌ها است.
- **کنش ترغیبی**^۲: هدف در این کنش واداشتن مخاطب به انجام یا ترک کاری است.
- **کنش تعهدی**^۳: این کنش، بر تعهد گوینده به انجام عملی دلالت دارد.
- **کنش عاطفی**^۴: هدف این کنش، بیان احساسات و حالت‌های روان‌شناختی و دیدگاه‌ها است.
- **کنش اعلامی**^۵: هدف تغییر واقعی در جهان خارج از طریق گفتن مطلبی است (Searle, 1983, p 7).

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای انواع کنش‌های گفتاری اوباما و ترامپ راجع به رژیم‌های بین‌المللی محیط

زیستی

رئیس جمهور	اوباما	ترامپ
کنش تعهدی	در اجلاس تغییرات اقلیمی کنه‌هاک: «آمریکا به تعهدات خود در این حوزه عمل خواهد کرد، اما برای مقابله با تغییرات اقلیمی همکاری تمام کشورها الزامی است» (Obama, 2009 a). در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «از هر فرصتی برای پیشرفت و مقابله با تهدیدات محیط زیستی در اقداماتی مشترک با تمامی جهان، استفاده خواهیم کرد» (Obama, 2009 b).	در بیان مواضع سیاست خارجی خود: «من تعهد می‌دهم هرگز آمریکا را به توافقی وارد نکنم که برای کشور هزینه در بر داشته باشد و موجب کاهش اختیارات و توانمندی‌های ما شود» (Trump, 2016).
کنش اعلامی	اظهارات در هنگام اعلام طرح انرژی پاک: «ما اولین نسلی هستیم که عواقب تغییرات آب و هوایی را حس می‌کنیم و آخرین نسلی هستیم که قادر به انجام کاری در قبال آن خواهیم بود. اگر اقدام نکنیم هیچ‌کس نخواهد کرد. آمریکا پیشگام این مسیر خواهد بود» (Obama, 2015 a).	در مراسم سخنرانی اعلام انصراف آمریکا از توافق پاریس: «ما بدون توافق اقلیمی پاریس تمیزترین آب‌وهوا را داریم. ما با محیط زیست رفتار دوستانه خواهیم داشت؛ اما تجارت و اقتصادمان را از کار نمی‌اندازیم» (Trump, 2017). در جریان لغو فرمان آب و هوایی اوباما: «گرمایش زمین در اولویت دولت من قرار ندارد» (Trump, 2017).
کنش اظهاری	در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «در مذاکرات بین‌المللی آب‌وهوا، از یک نظاره‌گر به یک رهبر، تغییر نقش داده‌ایم» (Obama, 2009 b). سخنرانی در نخستین جلسه کنفرانس آب‌وهوا در پاریس: «من مشخصه به‌عنوان رهبر بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا و دومین کشور انتشاردهنده گازهای آلاینده جهان به اینجا آمده‌ام تا بگویم نه تنها	در مراسم سخنرانی اعلام انصراف آمریکا از توافق پاریس: «تعهدات زیست‌محیطی به ضرر منافع اقتصادی آمریکا است» (Trump, 2017). «مفهوم گرمایش زمین ساخته‌وبرداخته چینی‌ها است تا از این طریق صنایع آمریکا را غیررقابتی

1. Assertive Action
2. Persuasive Action
3. Accrual Action
4. Emotional Action
5. Declarative Action

<p>کنند، پدیده تغییرات اقلیمی دروغ یا شوخی و پرهزینه است» (Trump, 2014).</p>	<p>ایالات متحده نقش خود را در برابر آن و ایجاد مشکل تأیید می‌کند، بلکه مسئولیت خود را برای مبادرت به اقدام می‌پذیرد» (Obama, 2015 b).</p>	
	<p>نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «ما کشورهای ثروتمند در قرن بیستویک، آسیب‌های زیادی به محیط زیست وارد کرده‌ایم و باید مسئولیت آن را بپذیریم. ایجاد تغییر در مسئله‌ای اساسی چون محیط زیست کاری دشوار است؛ بنابراین برای حل این معضل باید همه ما همراه یکدیگر حرکت کنیم» (Obama, 2009 b).</p>	<p>کنش ترغیبی</p>
<p>در مراسم سخنرانی اعلام انصراف آمریکا از توافق پاریس: «چرا باید مردم خود را نادیده بگیریم و به دلیل یک توافق بین‌المللی به اقتصاد خود ظلم کنیم. تا به کی دیگران باید به ما بخندند؟!» (Trump, 2017).</p>	<p>سخنرانی در نخستین جلسه کنفرانس آب‌وهوا در پاریس: «با تغییرات آب‌وهوا مثل گرم شدن زمین، آب شدن یخچال‌ها و ... سرنوشت کودکان ما نیز دچار تغییر خواهد شد» (Obama, 2015 b).</p>	<p>کنش عاطفی</p>

با توجه به مطالب جدول ۱، دو رئیس‌جمهور در زمینه کنش‌های گفتاری تفاوت‌های برجسته و عمیقی دارند. در حوزه کنش‌های تعهدی اوباما به‌صراحت خود و کابینه‌اش را متعهد به انجام و اجرای رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی می‌داند؛ در صورتی که رئیس‌جمهور ترامپ با این باور که نباید کشورش را درگیر معاهدات تعهدآور و پرهزینه سازد، خود را متعهد به دوری از این معاهدات می‌داند. در زمینه کنش‌های اعلامی نیز اوباما با بیان اهمیت فراوان مخاطرات محیط زیستی اعلام کرده است، دولت آمریکا اولین دولتی خواهد بود که به این معاهدات خواهد پیوست و مقررات مربوط به آن‌ها را اجرا خواهد کرد؛ ولی ترامپ بر این باور است که تجارت و اقتصاد آمریکا مهم‌تر از توافقات و مقررات محیط زیستی است. در زمینه کنش‌های اظهاری نیز اوباما با واقعی دانستن تهدیدات محیط زیستی تصریح می‌کند که کشورش در جهت برطرف کردن این تهدیدات نقش جهانی و مؤثر خود را ایفا خواهد کرد، درحالی‌که ترامپ تهدیدات محیط زیستی را ساخته‌وپرداخته کشور چین و دشمنان آمریکا می‌داند.

۴. بررسی مقایسه‌ای رویکرد باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر اقدامات عملی
 سومین محور مورد مقایسه بررسی اقدامات هر یک از دو رئیس‌جمهور در ارتباط با رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی است.

جدول ۲. بررسی مقایسه‌ای اقدامات اوباما و ترامپ راجع به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی

اقدامات اوباما	اقدامات ترامپ
ارائه «طرح اقدام اقلیمی» در سال ۲۰۰۹ در جهت مقابله با خطر گرمایش زمین و کاهش فعالیت نیروگاه‌هایی که با زغال‌سنگ کار می‌کردند، هدف این طرح، کاهش ۳۰ درصدی تولید گازهای گلخانه‌ای نیروگاه‌های برق تا ۲۰۳۰ بود (Obama's Plan to Deal With Climate Change, 2015).	امضای فرمان اجرایی مربوط به اقلیم و آب‌وهوا (۲۰۱۷) که به‌موجب این فرمان قوانین محدودیت استخراج زغال‌سنگ لغو می‌شد. این فرمان جدید در حقیقت مقابل فرمان «برنامه انرژی پاک» اوباما بود که در سال ۲۰۱۵ امضا شده بود (Trump's Reaction to The Obama-era Green Laws, 2017).
توافق دوجانبه آمریکا با چین برای مقابله با خطر تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۱۴ (Agreement Between The United States and China, 2014).	بی‌اعتنایی به پروتکل مونترال برای حفاظت از لایه اوزون، علی‌رغم عضویت آمریکا در این پروتکل؛ در همین زمینه ترامپ استفاده از یکی از گازهای بسیار مهم در تخریب محیط زیست یعنی هیدرو فلور کربن را در سیستم‌های سرمایشی آزاد اعلام کرد که این امر به معنای آسیب جدی به لایه اوزون و نقض پروتکل مونترال بود (Trump's Reaction to The Obama-era Green Laws, 2017).
پیوستن به پیمان اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ که هدف آن مقابله با تغییرات آب‌وهوا، کاهش تولید دی‌اکسید کربن و دیگر گازهای گلخانه‌ای است (www.treaties.un.org).	خروج از معاهده پاریس (۲۰۲۰) به دلیل مغایرت آن با منافع آمریکا؛ ترامپ همچنین معتقد بود خروج از این پیمان صنایع زغال‌سنگ و نفت را رونق می‌بخشد.
صدور فرمان آب و هوایی سال ۲۰۱۵ که بر اساس آن با اجرای «برنامه انرژی پاک»، تولید گازهای گلخانه‌ای در نیروگاه‌های زغال‌سنگ می‌بایست تا ۲۵ درصد کاهش می‌یافت. این فرمان صنعت ایالات متحده آمریکا را ملزم می‌ساخت که تا سال ۲۰۳۰ تولید گازهای گلخانه‌ای را نسبت به سال ۲۰۰۵ به میزان ۳۲ درصد کاهش دهند (Obama Administration Announces, 2015).	لغو فرمان آب و هوایی اوباما با امضای فرمانی موسوم به «فرمان اجرایی استقلال انرژی» (۲۰۱۷)؛ از دید ترامپ و مشاورانش اعمال استانداردهای جدید زیست‌محیطی بر صنایع آمریکایی هزینه تمام‌شده تولیدات صنعتی را افزایش می‌داد و موجب کاهش توان رقابتی این کشور با رقبای خارجی می‌شد، روندی که در نهایت به از دست رفتن فرصت‌های شغلی در آمریکا و کاهش رشد اقتصادی این کشور منجر می‌شد. ترامپ معتقد بود فرمان جدید عصر جدیدی را در عرصه انرژی، تولید و اشتغال آمریکا رقم خواهد زد (Trump signs order dismantling, 2017).
مخالفت با خط لوله «کی استون ایکس‌ال» و «داکوتا اکسیس» در سال ۲۰۱۵. این خط لوله در سال ۲۰۰۸ برای انتقال روزانه ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام از کانادا به پالایشگاه‌های واقع در سواحل خلیج مکزیک در جنوب آمریکا ارائه شده بود. اوباما معتقد بود، این خط لوله موقعیت بین‌المللی آمریکا در مبارزه با سوخت‌های کربنی را زیر سؤال خواهد برد (Actions of the New US President, 2019).	موافقت با پروژه ساخت خطوط لوله «کی استون ایکس‌ال» و «داکوتا اکسیس» (۲۰۱۷)؛ لغو قوانین زیست‌محیطی مربوط به حوزه آلودگی خشکی و دریا و قوانین زیست‌محیطی مربوط به حوزه حمایت از گونه‌های جانوری و حیوانات؛ لغو قوانین زیست‌محیطی مربوط به حوزه زیرساخت و برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی (Trump Signs Order Rolling Back, 2017).

همان‌گونه که در جدول ۲ ارائه شده است، اوباما با تعهد به چندجانبه‌گرایی و واقعی و مهم دانستن تهدیدات محیط زیستی اقداماتی انجام داده است تا نقش آمریکا در این باره برجسته و پررنگ شود (رهبری آمریکا در حوزه تدوین و اجرای توافقات محیط زیستی). در همین زمینه می‌توان به طرح اقدام اقلیمی، توافق دوجانبه آمریکا با چین در مورد مقابله با خطر تغییرات آب و هوایی، پیوستن به پیمان اقلیمی پاریس و فرمان آب و هوایی وی در سال ۲۰۱۵ اشاره

کرد. در مقابل ترامپ با نگاهی ملی‌گرایانه و واقع‌گرایانه قائل به ایفای چنین نقشی برای آمریکا نبوده و با اتخاذ سیاست خروج، هیچ اقدامی در جهت متابعت از قوانین رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی یا ایفای نقش رهبری آمریکا در این حوزه انجام نداده است.

نتیجه‌گیری

چنانچه در ابتدای پژوهش مطرح شد، هدف اصلی این مقاله بررسی مقایسه‌ای رویکرد سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی بود با این پرسش اصلی که با توجه به سنت‌های سیاست خارجی آمریکا (که در بحث چارچوب مفهومی به این سنت‌ها پرداخته شد)، مهم‌ترین دلایل تفاوت در سیاست اتخاذی این دو رئیس‌جمهور در قبال رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی چه بوده است؟ برای رسیدن به پاسخ ابتدا به بررسی سنت‌های سیاست خارجی آمریکا پرداختیم و با انطباق رویه سیاست خارجی هر یک از دو رئیس‌جمهور مورد مقایسه به این نتیجه اولیه رسیدیم که مشی سیاست خارجی اوباما کاملاً در قالب سنت ویلسونی شاخه نهادگرایی لیبرال آن قرار می‌گیرد. نهادگرایی که کاملاً نسبت به سازمان‌ها و نهادها و رژیم‌های بین‌المللی خوش‌بین هستند و معتقدند آمریکا باید برای ایفای نقش رهبری خود با این سازمان‌ها تعامل داشته باشد. در همین زمینه سند امنیت ملی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۰ محور اساسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را «چندجانبه‌گرایی جمعی» و اعتقاد به این امر قلمداد می‌کند که هیچ دولت یا ائتلاف محدودی نمی‌تواند به‌تنهایی مشکلات پیچیده جهانی را حل و فصل نماید.

بنابراین طبق این سنت انتظار بر این بود که دولت باراک اوباما نسبت به رژیم‌های بین‌المللی به‌طور کلی و رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی به‌طور خاص، نگاه مثبت و متعامل‌گرایانه‌ای داشته باشد. در مقابل بررسی رویه سیاست خارجی دونالد ترامپ نشان داد وی در چارچوب سنت جکسونی با تأکید بر مؤلفه‌های ملی‌گرایی و انزواگرایی یا حتی سنت‌گرایی تصمیم می‌گیرد؛ سنتی که نگاه مثبتی به تعاملات بیرونی آمریکا و اعمال کنشگری فعال این کشور ندارد. رویکردی که

وجه مشخصه‌اش بدبینی نسبت به رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی است. با این مفروضات در قسمت انتهایی مقاله به بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی این دو رئیس‌جمهور در قبال رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی با تأکید بر سه محور اصلی اسناد امنیت ملی، کنش‌های گفتاری و اقدامات عملی آن‌ها پرداختیم که یافته‌هایی به شرح زیر به دست آمد:

- با توجه به سنت‌های متفاوت سیاست خارجی دو رئیس‌جمهور، این دو در رویکرد سیاست خارجی نسبت به رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی واکنش‌های بسیار متفاوتی داشتند و رویکردها دارای هیچ مشابهتی نبودند.

- در زمینه تفاوت‌ها نخستین تفاوت در برجسته کردن یا نادیده گرفتن مسائل محیط زیستی در اسناد امنیت ملی آمریکا بود؛ زیرا در حالی که در اسناد امنیت ملی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵، بر تغییرات آب و هوایی به‌عنوان چالش و تهدیدی واقعی، فوری و شدید علیه امنیت و منافع ملی آمریکا تأکید و بر رهبری این کشور برای مقابله با این تهدیدات تصریح شده است، در سند ۲۰۱۷ هیچ اشاره‌ای به مسائل و مخاطرات محیط زیستی و راه‌های مقابله با آن‌ها نشده و تغییرات اقلیمی از فهرست تهدیدهای امنیت ملی آمریکا حذف شده است.

- تفاوت دوم مربوط می‌شود به نوع سیاست اتخاذی دو رئیس‌جمهور در قبال رژیم‌های بین‌المللی محیط زیستی (سیاست پایبندی در مقابل سیاست خروج) که مشروح آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

- تفاوت سوم در نوع بازنمایی اهمیت مسائل و رژیم‌های محیط زیستی در کنش‌های گفتاری دو رئیس‌جمهور بوده است: باراک اوباما در نشست‌ها و جلسات گوناگون همواره از مخاطرات و تغییرات اقلیمی صحبت می‌کرد و آن را خطری جدی برای نسل‌های آینده می‌خواند و این تغییرات را یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات پیش روی جهان می‌دانست. حال آنکه ترامپ منکر تغییرات اقلیمی و نقش و تأثیر آن در زندگی بشر بود؛ به طوری که در سخنان خود گرمایش زمین و تغییر اقلیم را «قلابی»، «نظریه جعلی»، «دروغ بزرگ»، «شوخی بسیار پرهزینه» و «فرب چینی‌ها جهت ضربه زدن به اقتصاد آمریکا» توصیف می‌کرد و حتی شک

داشت که این تغییرات منشأ انسانی داشته باشند. ترامپ تعهدات محیط زیستی را به ضرر منافع اقتصادی ایالات متحده می‌دانست و معتقد بود با داشتن اقتصاد قوی می‌توان محیط زیست سالم نیز داشت؛ ولی باراک اوباما مقررات و قوانین محیط زیستی را مانعی برای رشد اقتصاد آمریکا تلقی نمی‌کرد.

منابع

- جم، فرهاد و ژانت بلیک (۱۳۹۶). رعایت موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی زیست‌محیطی توسط دولت‌ها و نقش تبادل اطلاعات در آن، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۷).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴). نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی. نشر مخاطب.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۲) *درآمدی بر مهم‌ترین مسائل نظامی استراتژیک معاصر*. انتشارات دانشگاه یزد.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۲)، تغییر اقلیم و امنیت زیست‌محیطی جنوب شرقی آسیا؛ واکاوی فعالیت‌های آسه آن، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۱ (۲).
- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داوود غرایاق زندی، محمود یزدان‌فام، نادر پورآخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Agreement Between The United States and China on Combating Global Warming*. (2014). at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/11/11/us-china-joint-announcement-climate-change>.
- Barber, James D. (2016). *The presidential character: predicting performance in the white house*, London: Routledge.
- Dueck, Colin. (2018). Prompt Essay: The Future of Conservative Foreign Policy, *American Enterprise Institute*, Nov. 30, <http://www.aei.org/publication/the-future-of-conservative-foreign-policy/>
- Ettinger, A. (2021). Rumors of restoration: Joe Biden's foreign policy and what it means for Canada, *Canadian Foreign Policy Journal*, Vol 27:2, pp. 157-174, DOI: 10.1080/11926422.2021.1899005.
- Haass, R. (2017). *America and the Great Abdication*. [Online] The Atlantic. Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/12/america-abidcation-trump-foreign-policy/549296/> [Accessed 28

- Nov. 2018].
- Ikenberry, G. John and Kupchan, Charles. (2004). Liberal Realism: The Foundations of a Democratic Foreign Policy, *The National Interest*.
- Jervise, Robert. (1982). Security Regimes, *International Organization*, Vol 36. No 2, pp. 357-378.
- Keohane, Robert O. (1990). Multilateralism: An Agenda for Research, *International Journal*, Vol 45, No. 4. 731-64.
- Krasner, Stephe. (1982). Structural Causes and Regimes Consequences: Regimes as Intervening Variables, *International Organization*, Vol 36, No 2. 185-205.
- Kupchan, Charles A. (2020). Isolationism: A History of America's Efforts to Shield Itself from the World, New York: Oxford University Press.
- Mead, W. R. (2002). Special Providence. American Foreign Policy and How It Changed the World. New York and London: Routledge.
- Mead, W. R (2016). Donald Trump's Jacksonian Revolt. *Hudson Institute*, November 13. <https://www.hudson.org/research/13010-donald-trump-s-jacksonian-revolt>.
- Mead, W. R. (2017). The Jacksonian Revolt. American Populism and the Liberal Order. *Foreign Affairs*, 96 (2): 2-7.
- Michael Clarke & Anthony Ricketts. (2017). Donald Trump and American foreign policy: The return of the Jacksonian tradition, *Comparative Strategy*, 36:4, 366-379, DOI: 10.1080/01495933.2017.1361210.
- Obama, Barak. (2009 a). *Obama's speech to the Copenhagen climate summit*, at <https://www.theguardian.com/environment/2009/dec/18/obama-speech-copenhagen-climate-summit>.
- Obama, Barak. (2009 b). *Remarks by the President to the United Nations General Assembly*, at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/remarks-president-united-nations-general-assembly>.
- Obama, Barak. (2015 a). *Remarks by the President in Announcing the Clean Power Plan*, at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/08/03/remarks-president-announcing-clean-power-plan>.
- Obama, Barak. (2015 b). *Statement by the President on the Paris Climate Agreement*, at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/12/12/statement-president-paris-climate-agreement>.
- Obama's Plan to Deal with Climate Change*. (2015). at <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/06/09/obamas-plan-to-deal-with-climate-change>.

- house. archives. gov/ president-obama-climate-action-plan.
- Obama Administration Announces Clean Energy.* (2015). at <https://obama.whitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/08/03/remarks-president-announcing-clean-power-plan>.
- Oz Hassan & Christopher Featherstone. (2021). Trump's low conceptual complexity leadership and the vanishing unpredictability doctrine, *Cambridge Review of International Affairs*, 34:3, 407-429, DOI: 10.1080/09557571.2020.1853054.
- Renshon, S. (2012). *Barack Obama and the Politics of Redemption*, New York: Routledge.
- Rolf, Jan Niklas. (2021). Donald Trump's Jacksonian and Jeffersonian Foreign Policy, *Policy Studies*, DOI: 10.1080/01442872.2021.1934431.
- Scott, James. (2015). Multilateralism, *Encyclopedia Britannica*, at <https://www.britannica.com/topic/multilateralism>. Accessed 13 August 2021.
- Searle, J.R. (1983). *In Tentionality*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sperling, James & Webber, Mark. (2019). Trumps foreign policy and NATO: exit and voice. *Review of International Studies*, 45: 3, 511–526.
- Swielande, T. (2021). The Biden administration an opportunity to affirm flexible and adaptive American World leadership, *World Affairs*, at <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/00438200211014643>.
- Trump, Donald. (2016). *Remarks on Foreign Policy*, April 27." <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-foreign-policy>.
- Trump, Donald. (2017). *Trump's Speech On Paris Climate Agreement Withdrawal, Annotated*, at <https://www.npr.org/2017/06/01/531090243/trumps-speech-on-paris-climate-agreement-withdrawal-annotated>.
- Trump's Reaction to The Obama-era Green Laws.* (2017). at <https://www.brookings.edu/blog/up-front/2020/12/15/the-trump-administrations-major-environmental-deregulations/>.
- Trump Signs Order Rolling Back Environmental Rules on Infrastructure.* (2017). at <https://www.nytimes.com/2017/08/15/climate/flooding-infrastructure-climate-change-trump-obama.html>.
- Trump signs order dismantling Obama-era climate policies.* (2017). at <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-energy-idUSKBN16Z1L6>.
- Executive Actions of the New US President.* (2019) at <https://www.whitehouse>.

gov/ briefing- room/presidential-actions/.

Trump's Reaction to The Obama-era Green Laws. (2017). at <https://www.brookings.edu/blog/up-front/2020/12/15/the-trump-administrations-major-environmental-deregulations/>.

U.S National Security Strategy. (NSS 2010). at: [https://Obama a Whitehouse.Archives. Gov/ Sites/ Default/ Files/ rss-viewer/ National_Security_Strategy. Pdf](https://Obama.Whitehouse.Archives.Gov/Sites/Default/Files/rss-viewer/National_Security_Strategy.Pdf).

U.S National Security Strategy. (NSS 2015). At [https://Obama a Whitehouse.Archives. Gov/ Sites/ Default/ Files/Docs/ 2015- N_S_S2. Pdf](https://Obama a Whitehouse.Archives. Gov/ Sites/ Default/ Files/Docs/2015-N_S_S2.Pdf).

U.S National Security Strategy. (NSS 2017). at [http:// www. Whitehouse. Gov/ Wpcontent/ uploads/ 2017/12/NSS- final-12-18-2017-0905.pdf](http://www.Whitehouse.Gov/Wpcontent/uploads/2017/12/NSS-final-12-18-2017-0905.pdf).

Ülgül, Murat. (2020). Mixing Grand Strategies: Trump and International Security, *The International Spectator*, 55:3, 98-114, DOI: 10.1080/03932729.2020.1786928.

Walker, Ronald A. (2004). *Multilateral Conferences Purposeful International Negotiation*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.